

جایگزین‌های کیفر حبس در قلمروی نظام عدالت کیفری زنان

حسن طفرانگار

دانشجوی دوره دکتری حقوق کیفری دانشگاه پاریس ۱ (پانتئون سوربن)
togranegar@yahoo.com

واژگان کلیدی:

زنان، زندان، جایگزین زندان، حقوق کیفری، جرم‌شناسی

مقدمه

کیفر حبس از چند دهه پیش به این سو با انتقادهای جدی مواجه شده است و آثار منفی و تبعات نامطلوب مجازات حبس در مقایسه با جنبه‌های مثبت آن مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. در نتیجه از یک سو برای اصلاح و بهبود نظام‌های زندانبانی تلاش‌های گسترده‌ای صورت گرفته است و از سوی دیگر ضمانت اجرای جایگزین حبس مورد توجه قرار گرفته‌اند تا اساساً با توسل به آنها از ورود بخش قابل توجهی از بزهکاران به زندان جلوگیری گردد.

حقیقت آن است که آثار منفی زندان بر روی زنان زندانی ناگوارتر از مردان است با این حال نه در حیطه اصلاح و بهبود زندان‌ها بر پایه نیازها و مقتضیات زنان توجه کافی صورت گرفته است و نه در خصوص ضمانت اجرای جایگزین حبس در ارتباط با زنان بررسی‌ها و مطالعات مناسبی شده است. شاید یکی از دلایل اصلی این موضوع نسبت کم زنان زندانی است که در نظام‌های زندانبانی سراسر جهان بین ۲ تا ۸ درصد متغیر است^۱ و موجب می‌شود زندان‌ها و نظام‌های زندانبانی از حیث معماری، امنیت، تسهیلات و امکانات مختلف بر پایه نیازها و مقتضیات زندانبانان مرد سازماندهی شوند.^۲ به

نظر می‌رسد سیاست‌های ناظر بر تدوین و گسترش ضمانت اجرای جایگزین هم در ارتباط با زنان از این واقعیت متأثر باشند و موقعیت و ویژگی‌های خاص آنان چنان که باید مورد توجه قرار نگرفته است.

نوشتار حاضر به دنبال آن است که پس از مروری کلی بر گرایش‌ها و دیدگاه‌های افتراقی نسبت به زنان در دو حوزه جرم‌شناسی و حقوق کیفری، موقعیت خاص زنان را در برابر کیفر حبس و به تبع آن در برابر جایگزین‌های کیفر حبس مورد تأمل قرار دهد.

فصل اول: زن در جرم‌شناسی

نخستین مطالعات انجام شده در جرم‌شناسی حول مردان بزهکار بود.^۳ با این حال جنسیت به عنوان یکی از عوامل شخصی بزهکاری نمی‌توانست از دید جرم‌شناسان دور بماند و لذا در جرم‌شناسی، زنان به عنوان یک گروه خاص مورد توجه قرار گرفتند.^۴ با این وجود توجه خاص به بزهکاری زنانه از پایان سالهای ۶۰ میلادی و تحت تأثیر مسائل مطرح شده در نهضت آزادی زنان صورت گرفت.^۵

فمینیسم به منزله یک حوزه بسیار گسترده نظریه‌پردازی اجتماعی عرصه جرم‌شناسی را نیز آماج انتقادهای تند خود قرار داد. جرم‌شناسان فمینیست بر این باور بودند که در جرم‌شناسی سنتی شماری از موضوع‌های مرتبط با زنان نادیده یا تحریف شده‌اند.^۶ لبه‌ی انتقادهای برخی از آنان نیز تندتر بود و از غفلت محض محققان حوزه

نشان داده است که آسیب‌پذیری دختران در خانواده‌های از هم پاشیده بیشتر از پسران بوده است.^{۲۰}

فصل دوم: زن در حقوق کیفری

حقوق کیفری ذاتاً غیر شخصی است.^{۲۱} بدین معنا که تبیین قواعد کیفری عمومی، تعریف فنی جرم‌ها و مجازات‌ها و پیش‌بینی اصول اساسی ناظر بر حقوقی کیفری شکلی به صورت کلی و عام صورت می‌پذیرد و در واقع قانون‌گذار کیفری هنگام تعریف جرم‌ها و تعیین مجازات‌ها در پرتو اصل برابری افراد در برابر قوانین از معیار یا استاندارد واحدی پیروی می‌کند.^{۲۲} با این وجود قوانین تصویب شده توسط قانون‌گذار کیفری به طور مطلق از ملاحظات جنسیتی عاری نمی‌گردد و در موارد خاص بر پایه تفاوت‌های جنسیتی از معیارهای دوگانه‌ای در خصوص مردان و زنان استفاده می‌شود.

از سوی دیگر در طول فرآیند کیفری معیار جنسیت نقش پررنگ‌تری به خود می‌گیرد و با توجه به شخصیت، نگرش و ملاحظات حقوقی و فرهنگی دادرسان و ضابطان قضایی، سرشت جنسیتی تصمیم‌گیری‌ها افزایش می‌یابد. معیار جنسیتی چه در عرصه‌ی قانون‌گذاری و چه در مرحله دادرسی می‌تواند به صورت مثبت یا منفی نسبت به زنان عمل کند.

کسانی که بر تبعیض منفی نسبت به زنان انگشت می‌نهند از دو منظر، حقوق کیفری را مورد انتقاد قرار می‌دهند. از یک سو معتقدند هر چند به ظاهر تلاش قانون‌گذار بر این است که از معیار واحدی در تعریف جرم‌ها و مجازات‌ها و اصول اساسی دادرسی تبعیت کند اما در عمل این معیار واحد تا اندازه زیادی متأثر از ملاحظات جنسیتی پنهان و سیطره‌ی ذهنی مردان بر آن است.^{۲۳} برای مثال در قلمرو حقوق کیفری شکلی برخی معتقدند که آیین دادرسی ایران و برخی کشورهای دیگر یک آیین دادرسی مردانه است که بسیاری از مقررات آن با توجه به موقعیت و وضعیت یک مرد متعارف در جامعه تنظیم شده‌اند که نتیجه آن برتری مشهود مردان نسبت به زنان است.^{۲۴} همچنین در مرحله دادرسی کیفری نیز حضور پر شمار دادرسان و ضابطان قضایی مرد می‌تواند به تصمیم‌گیری‌های متأثر از ذهنیت مردانه و نه منطبق با واقعیت‌های زنانه منجر شود و دقیقاً

در مقایسه با مردان آسیب‌پذیرتر هستند. دانشمندان علوم جنایی در آثار خود عمدتاً زنان را به منزله‌ی موجودی آسیب‌پذیر در برابر جرم‌ها و خشونت مردان مورد توجه قرار داده‌اند.^{۱۵} برخی مطالعات معاصر در خصوص جرایم زنان نیز نشان داده‌اند که درصد بسیار بالایی از مجرمین را زنانی تشکیل می‌دهند که تنها سرپرست خانواده محسوب می‌شوند.^{۱۶}

این امر نشان‌دهنده آن است که زنان در اداره‌ی خانواده با دشواری‌های افزون‌تری همراه هستند. برای نمونه آشکار شده است که بیشتر زنانی که مرتکب جرایم کوچک در رابطه با بیمه‌های اجتماعی و یا کلاهبرداری و سرقت می‌شوند، اعمال مزبور را نه به

آشکار شده است که بیشتر زنانی که مرتکب جرایم کوچک در رابطه با بیمه‌های اجتماعی و یا کلاهبرداری و سرقت می‌شوند، اعمال مزبور را نه به خاطر خود بلکه به منظور حمایت از کودکان و افراد وابسته به خود انجام می‌دهند.

خاطر خود بلکه به منظور حمایت از کودکان و افراد وابسته به خود انجام می‌دهند.^{۱۷} این امر نشان‌دهنده آن است که چنین زنانی نتوانسته‌اند از عهده تأمین نیازهای خانواده تحت سرپرستی خود از طریق شیوه‌های مشروع و معمول برآیند. برخی نویسندگان به زنان شدن فقر در جهان و سهم هفتاد درصدی زنان و کودکان تحت سرپرستی‌شان از ۱/۳ میلیارد جمعیت فقیر جهان توجه نشان داده‌اند و آن را از مهمترین عواملی دانسته‌اند که زنان را به امید تأمین اقتصادی خانواده‌ی خود به سوی باندهای قاچاق انسان می‌کشاند.^{۱۸}

نکته دوم اینکه به سبب نقش بسیار مهم زنان در زمینه تربیت فرزندان، هرگونه آسیب‌پذیری زنان زمینه‌ساز آسیب‌پذیری کودکان آنها خواهد شد. برخی تحقیقات در غرب نشان داده است که کودکان دارای مشکلات رفتاری مختلف، از مراقبت‌های مادری کامل و صحیح برخوردار نبوده‌اند.^{۱۹} نکته قابل تأمل در زمینه آسیب‌پذیری کودکان چنین زنانی نیز، این حقیقت تلخ است که کودکان دختر در مقایسه با کودکان پسر آسیب بیشتری را متحمل می‌شوند. تحقیقی که در ایالات متحده آمریکا صورت گرفته

جرم‌شناسی از مسئله‌ی زنان در پرتو سلطه جنس مذکر بر مباحث نظری این حوزه یاد می‌کردند.^۷ رویه دیگر انتقادهای جرم‌شناسان فمینیست ناظر بر سیطره‌ی کارکنان مذکر بر نظام جزایی در سطح‌های متفاوت قضات، وکلای دادگستری، مشاوران حقوقی، مقام‌های زندان‌ها و پلیس بود. به باور آنان نظام عدالت کیفری هم در عرصه‌ی پژوهش و نظریه‌پردازی و هم در عرصه‌ی عمل و کارورزی تحت سیطره مردان قرار داشت.^۸

تلاش‌های جرم‌شناسان برای تبیین بزهکاری زنانه در پرتو دو دیدگاه متمایز سامان یافت که به نوعی متأثر از تمایز میان دو مفهوم جنس و جنسیت بود.^۹ از یکسو دانش‌های مختلف همانند زیست‌شناسی مدام از رازهای جسمی و فیزیولوژیکی زنان پرده بر می‌داشتند و برای مثال نشان می‌دادند که تغییرات هورمونی و یا دگرگونی‌هایی مانند اضطراب‌های دوران بلوغ یا یائسگی، زنان را آسیب‌پذیرتر می‌سازد.^{۱۰} برخی جرم‌شناسان نیز تلاش می‌کردند با بهره‌گیری از این‌گونه یافته‌ها بزهکاری زنان را بر پایه‌ی دیدگاهی زیست‌شناختی تبیین نمایند.

از سوی دیگر طرفداران دیدگاه‌های جامعه‌شناختی که عرصه گسترده‌تری از مطالعات جرم‌شناسانه بزهکاری زنانه را به خود اختصاص می‌دادند، تلاش می‌کردند نقش تفاوت‌های تربیتی، اجتماعی و... را در عرصه‌ی بزهکاری زنان برجسته‌تر سازند. نظریه جرم‌شناسی فمینیستی به عنوان برجسته‌ترین دیدگاه برای تبیین بزهکاری زنانه مبتنی بر این پیش فرض کلی است که زنان به لحاظ ساختاری از وضعیت نامساعد و نامطلوبی در جامعه برخوردار هستند.^{۱۱} از همین رو ماهیت بزهکاری زنان را باید در شرایط و اوضاع و احوال اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مورد مطالعه قرار داد و خشونت شایع علیه زنان و وضعیت نامطلوب خانوادگی از حیث اقتصادی را همواره به عنوان پیش شرط اساسی برای هرگونه رفتار مجرمانه زنان در نظر گرفت.^{۱۲} جنبش‌های فمینیستی علاوه بر حوزه کلی بزهکاری، در مواردی به وضعیت زنان در زندان‌ها نیز توجه نشان داده و بر این حوزه تا اندازه‌ای تأثیر نهاده‌اند.^{۱۳}

در زمینه جایگاه زنان در جرم‌شناسی^{۱۴} و از حیثی که به موضوع نوشتار حاضر ارتباط می‌یابد به دو نکته‌ی قابل توجه می‌توان اشاره کرد. نخست این که زنان در بستر اجتماع

از همین روست که برخی معتقدند حضور دادرسان زن - آن هم در موقعیتی برابر با دادرسان مرد - می تواند به دادرسان مرد کمک کند تا مسائل مربوط به زنان بزه دیده و مجرم را با حساسیت بیشتری مورد توجه قرار دهند؛ از فشارهای وارده بر وکیلان زن در دادرسی های کیفری بکاهند و در مجموع با آگاهی های بیشتری در مورد رفتار تبعیض آمیز علیه زنان نسبت به آنها تصمیم گیری کنند.^{۲۵}

علاوه بر اینگونه تبعیض های منفی ساختاری، انتقاد دیگر ناظر بر برخی متون قانونی است که به نوعی تبعیض منفی علیه زنان به حساب می آیند. بحث های مربوط به بلوغ، گواهی زنان، قصاص، دیه و... از جمله مواردی هستند که در آنها به پاره ای تبعیض های منفی علیه زنان اشاره شده است. اما در برابر اینگونه تبعیض های منفی می توان تبعیض های مثبت نسبت به زنان را نیز مورد ملاحظه قرار داد. برخی معتقدند که به صورت کلی در صدور حکم مجازات برای زنان همواره در عمل جنبه اغماض و گذشت غلبه دارد و در حقیقت خود زن بودن از جمله علل مخففه به شمار می رود.^{۲۶} این گونه

برخی معتقدند که به صورت کلی در صدور حکم مجازات برای زنان همواره در عمل جنبه اغماض و گذشت غلبه دارد و در حقیقت خود زن بودن از جمله علل مخففه به شمار می رود.

زایمان) و اجتماعی (مادری) زنانه است و نمی توان آنها را تبعیض مثبت نسبت به اشخاص متعلق به جنس زن محسوب نمود.^{۲۹}

فصل سوم: زنان و کیفر حبس

نسبت زندانیان زن به مرد در همه نظام های کیفری کم است. در انگلستان زنان حدود ۳ درصد جمعیت زندان های بریتانیا را تشکیل می دهند^{۳۰} و پیشتر اشاره شد که این نسبت بین ۲ تا ۸ درصد در سایر کشورهای جهان متغیر است.

در ایران نیز از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۰ شمسی ۹۵/۴۱ درصد زندانیان ورودی را مردان و ۴/۹۵ درصد را زنان تشکیل می داده است که به طور میانگین به ازای هر ۱۸ مرد یک نفر زن وارد زندان شده است. البته نسبت مزبور تغییرات قابل ملاحظه ای را هم نشان می دهد. نسبت مزبور در سال ۵۸ برابر ۲۹ و در سال ۵۹ برابر ۲۴ بوده است و طی سال های ۶۰ تا ۷۰ بین ۱۴ تا ۱۷ و طی سال های ۷۱ تا ۷۷ بین ۱۷ تا ۱۹ و در خلال سال های ۷۸ تا ۸۰ بین ۲۱ تا ۲۵ در حال نوسان بوده است.^{۳۱} جدول زیر تعداد زندانیان ورودی زندان های

رفتارهای متفاوت عمدتاً ناشی از تسامح، حمایت و نگاه های پدران و برادرانه نسبت به زنان است.^{۳۲} در عین حال قانونگذار نیز به ویژه در قلمرو حقوق کیفری شکلی قوانین و مقررات خاصی را که نشان دهنده سیاست ویژه ارفاق آمیز نسبت به متهمان و مجرمان زن است وضع کرده است.^{۳۳} لزوم رعایت موازین شرعی در بازجویی مواجهه ای و انفرادی از زنان (ماده ۱۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری) و تأخیر در اجرای برخی مجازاتها (مواد ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی و ماده ۲۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری) را از جمله اینگونه تبعیض های مثبت نسبت به زنان می توان محسوب نمود. با این وجود برخی معتقدند که این تفاوت گذاشتن ها ناشی از موقعیت های زیست شناسانه (بارداری،

۶- تعداد زندانیان ورودی سالهای ۵۸ تا ۸۰ بر حسب جنس و درصد

سال	کلی	زن	مرد	درصد زن	موصد مرد
۵۸	۸۷۳۱۵	۲۰۸۳	۸۵۲۳۲	۲/۳۸	۹۷/۶۲
۵۹	۱۲۱۱۲۱	۳۷۹۵	۱۱۷۳۲۶	۳/۱۳	۹۶/۸۷
۶۰	۱۴۵۰۱۱	۷۰۷۶	۱۳۷۹۳۵	۴/۸۸	۹۵/۱۲
۶۱	۱۳۴۴۳۶	۶۲۹۰	۱۲۸۱۴۶	۴/۶۸	۹۵/۳۲
۶۲	۱۶۸۵۰۶	۸۶۹۱	۱۵۹۸۱۵	۵/۱۶	۹۴/۸۴
۶۳	۱۵۰۵۲۶	۸۴۳۱	۱۴۲۰۹۵	۵/۵۲	۹۴/۴۸
۶۴	۲۱۸۵۷۱	۱۱۲۶۰	۱۹۷۳۱۱	۵/۱۶	۹۴/۸۴
۶۵	۲۰۷۵۴۱	۱۱۰۴۷	۱۹۶۴۹۴	۵/۳۲	۹۴/۶۸
۶۶	۲۲۵۹۲۵	۱۲۷۰۷	۲۱۳۲۱۸	۵/۶۲	۹۴/۳۸
۶۷	۲۳۴۴۲۳	۱۲۵۹۰	۲۲۱۸۳۳	۵/۴۲	۹۴/۵۸
۶۸	۲۲۵۹۳۹	۱۲۳۸۸	۲۱۳۵۵۱	۵/۴۵	۹۴/۵۵
۶۹	۲۴۲۱۳۹	۱۱۹۹۰	۲۳۰۱۴۹	۵/۳۵	۹۴/۶۵
۷۰	۲۵۵۵۳۵	۱۲۴۴۳	۲۴۳۰۹۲	۵/۳۵	۹۴/۶۵
۷۱	۲۸۲۹۷۴	۱۳۰۰۱	۲۶۹۹۷۳	۵/۳۱	۹۴/۶۹
۷۲	۲۳۷۶۱۰	۱۵۰۳۳	۲۲۲۵۷۷	۵/۲۵	۹۴/۷۵
۷۳	۲۵۰۰۰۵	۱۴۲۸۴	۲۳۵۷۲۱	۵/۰۸	۹۴/۹۲
۷۴	۲۴۵۳۷۸	۱۴۸۹۳	۲۳۰۴۸۵	۵/۰۸	۹۴/۹۲
۷۵	۲۴۷۵۶۴	۱۹۰۴۱	۲۲۸۵۲۳	۵/۲۵	۹۴/۷۵
۷۶	۲۵۴۲۵۹	۲۱۲۸۸	۲۳۲۹۷۱	۵/۶۹	۹۴/۳۱
۷۷	۲۷۵۵۵۹	۲۲۴۳۵	۲۵۳۱۰۴	۵/۷۲	۹۴/۲۸
۷۸	۲۴۹۹۹۶	۲۳۷۱۰	۲۲۶۲۸۶	۵/۳۲	۹۴/۶۸
۷۹	۲۹۶۹۴۹	۲۳۲۷۸	۲۷۳۶۷۱	۳/۹۰	۹۶/۱۰
۸۰	۲۶۱۱۳۰	۲۹۶۴۶	۲۳۱۴۸۴	۲/۴۸	۹۵/۵۲
جمع کل	۲۹۴۶۴۴۲	۳۱۸۶۵۰	۲۶۲۷۷۹۲	۱/۵۹	۹۵/۴۱

تأثیر زندان در رفتارهای منحرفانه

زندانی شدن زنان موجب فرو شکستن سازوکارهای حمایتی اقتصادی و عاطفی و گسستن آنها از شبکه‌های نیرومند خانوادگی، خویشاوندی، همسایگی، قومی و قبیله‌ای و در نتیجه انزوای اجتماعی آنان می‌شود.^{۴۱} همین انزوای اجتماعی بویژه در جوامعی که میزان مساعدت‌ها و حمایت‌های اجتماعی از زندانیان آزاد شده کم باشد؛ مناسب‌ترین زمینه را برای درافتادن زنان در ورطه‌ی آسیب‌هایی همانند سرقت مواد مخدر و پناه جستن در محله‌های گمنام یا بدنام را فراهم می‌سازد.^{۴۲} از سوی دیگر زندان باعث فرسودگی روحی در بین زنان زندانی می‌شود که موجبات پیدایش رفتارهای خشونت‌آمیز را فراهم می‌سازد که در نهایت منجر به رفتارهای منحرفانه بعدی می‌شود.^{۴۳}

یکی از مهم‌ترین رفتارهای منحرفانه در زندان انحراف جنسی است که خود زنان مجرم نیز نسبت به آن ارزیابی منفی دارند. برای نمونه زندانیان زن معتاد از هم‌نشینی با زنان رابطه‌ای گریزانند زیرا جرم آنان را شأن یک زن نمی‌دانند.^{۴۴} با این حال تحقیقات نشان داده بسیاری از زنان متأهل که حتی پای‌بند خانواده نیز بوده‌اند در زندان و تحت فشار غریزه جنسی به انحراف کشیده شده‌اند در حالی که پس از آزادی از زندان نیز تن به این کار نداده‌اند.^{۴۵} تحقیقات میزان بالای انحراف جنسی در زندان جوان‌کننده شوهرانشان را نیز به دلیل سن کم (عمدتاً بین ۱۹ تا ۲۹ سال) و عدم امکان ملاقات خصوصی به

برخی شواهد نشان‌دهنده آن است که زندانی شدن زن احتمال وقوع طلاق را بیشتر از مواردی می‌کند که شوهر زندانی شده است.

تربیت فرزندان به صورتی اجمالی اشاره شود.

اثر زندان در وضعیت زناشویی زنان

از هم گسیختگی خانواده را می‌توان یکی از هزینه‌های مهم زندان محسوب نمود که بارزترین شکل آن وقوع طلاق است.^{۳۶} از هم گسیختگی خانواده را می‌توان به صورت «شکستن واحد خانوادگی و یا تجزیه‌ی ترکیبی از نقش‌های اجتماعی به علت آنکه یک یا چند تن از عهده انجام تکالیف ناشی از نقش خود آن‌طور باید و شاید بر نیامده‌اند.»^{۳۷} تعریف کرد. طبیعی است که زندانی شدن هر یک از شرکای زندگی مشترک می‌تواند منجر به از هم گسیختگی خانواده و وقوع طلاق شود با این حال به نظر می‌رسد برخی شواهد نشان‌دهنده آن است که زندانی شدن زن احتمال وقوع طلاق را بیشتر از مواردی می‌کند که شوهر زندانی شده است.

برخی تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که معمولاً زندانی شدن زنان منجر به طلاق آنها از سوی شوهرانشان می‌شود^{۳۸} و حتی در مواردی هم که شوهر زن زندانی خود را طلاق نمی‌دهد از امکان قانونی خود برای ازدواج مجدد استفاده می‌کند که این امر پس از آزادی زن منجر به اختلافات و در مواردی طلاق می‌شود^{۳۹} و احتمال این امر در خصوص زنان زندانی جوان‌تر و یا معتاد

ایران را بر حسب جنس بین سال‌های ۵۸ تا ۸۰ نشان می‌دهد.^{۴۰}

به بیان دیگر می‌توان گفت که به طور متوسط از هر بیست نفر زندانی نوزده نفر آنان مرد هستند و این نشانگر گرایش زندانها به اداره شدن از منظری مردانه است. در حقیقت رویه‌ها و برنامه‌ها بر پایه‌ی نیازهای جمعیت اکثریت مردان طرح‌ریزی می‌شوند و برای انطباق آنها با نیازهای زنان تلاش‌هایی صورت می‌گیرد که گاهی نیز متأسفانه این انطباق به شکل کامل یا مطلوب حاصل نمی‌شود که نتیجه‌ی آن اعمال تبعیض علیه زنان در جنبه‌های مختلف نظام زندانبانی است.^{۴۳} در خصوص نسبت زنان زندانی به مردان زندانی در ایران نیز جدول‌های زیر نسبت محکومین قضایی کشور به تفکیک حبس را در سال‌های ۱۳۶۵ نشان می‌دهد که بر اساس آنها تا حدودی می‌توان نسبت فعلی زندانیان زن و مرد را در کشور تخمین زد.

اشاره به نسبت کم زندانیان زن می‌توان در آمد مناسبی به طرح این بحث باشد که زنان زندانی به طور کلی تقریباً همه معایب و آثار منفی را که برای زندان احصاء شده است^{۴۴} تحمل می‌کنند و در عین حال به اقتضای شرایط خاص خود تبعات منفی‌تری را نیز در مقایسه با مردان تحمل می‌نمایند.^{۴۵} بدیهی است پرداختن به این موضوع نیازمند پژوهش‌هایی گسترده است تا آثار منفی زندان‌ها بر زنان به درستی بررسی شود. در مقاله حاضر تنها تلاش می‌شود تا به آثار منفی زندانی شدن زنان در سه حوزه‌ی وضعیت زناشویی، رفتارهای منحرفانه بویژه رفتارهای جنسی و



تأثیر زندان در تربیت فرزندان

شمار قابل توجهی از زندانیان زن مسئولیت نگهداری از فرزندان خود را به عنوان مادر بر عهده دارند. برای نمونه نتایج سرشماری سال ۲۰۰۱ از زندان‌های زنان در استرالیا نشان داده است که بیشتر زنان زندانی مادر هستند و ۶۳ درصد آنها بچه‌های کوچک‌تر از ۱۸ سال دارند.^{۴۷}

در مواردی هیچ چاره‌ای جز نگهداری کودکان در کنار مادران زندانی خود وجود ندارد. جدول زیر آمار کودکان همراه مادران زندانی را به تفکیک سن و جنس در شهر یور ماه سال ۱۳۸۰ نشان می‌دهد.^{۴۸}

این نکته که «طی مدت حضور کودک در زندان، محیط نگهداری وی باید تا حد امکان هم برای خود و هم برای مادرش طبیعی

طریق در رفتارهای منحرفانه آنان در آینده تأثیر می‌گذارد.^{۴۹}

برخی معتقدند که تأثیر مجازات زندان در بازدارندگی از جرایم زنان قابل توجه نبوده است و در بسیاری از کشورها زنان زندانی پس از آزادی بار دیگر مرتکب جرم شده‌اند. به بیان دیگر مشکلات زمینه‌ای زنان در زندان‌ها چنان است که بدون حل این مشکلات بیشتر زنان زندانی در معرض خطر بازگشت به زندان قرار خواهند داشت.^{۴۹} مبنای تلاش برای رفع این مشکلات توجه به

زندان‌ها باید تلاش بسیاری کنند تا بتوانند خود را با اقتضائات خاص زنان زندانی انطباق دهند. اما در شرایط فعلی به نظر می‌رسد کمتر زندانی توانسته باشد به حد مطلوبی در این زمینه نائل شده باشد.

به زنان زندانی بیشتر است. در نتیجه توجه به جایگزین‌ها در خصوص زندانیان زن باید از اهمیت بیشتری برخوردار گردد و نسبت اندک آنها در مقایسه با مردان موجبات توجه کمتر به این موضوع را فراهم نسازد.

فصل چهارم: زنان و ضمانت اجراهای جایگزین حبس

زندانیان در نظام زندانبانی آسیب‌پذیراند و زنان زندانی آسیب‌پذیرترند. لزوم ملاحظه اقتضائات خاص زنان و تلاش برای بهبود عملکرد نظام زندانبانی تنها برطرف ساختن بخشی از شکل است.^{۵۰} سهم عمده در گرو تلاش برای بهره جستن از سازوکارها و تدابیری است که تا حد امکان مانع از مواجهه‌ی زنان بزهکار با نظام زندانبانی شوند. بدیهی است زنان بزهکار نیز در پرتو قوانین و مقررات کلی می‌توانند از تدابیر

آمار کودکان همراه مادران زندانی در شهریور ۱۳۸۰

سن	تا دو سال		۲ تا ۴ سال		۴ تا ۶ سال		بالای ۶ سال		جمع	
	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر
جنس	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر
فراوانی	۶۵	۷۱	۸۰	۱۰۴	۴۸	۴۴	۴	۳۱	۲۴۳	۲۴۴
درصد	۳۴/۱۳	۵۷/۱۴	۴۲/۱۶	۳۵/۲۱	۸۵/۹	۰۳/۹	۰۳/۹	۳۶/۶	۸۹/۴۹	۱۱/۵۰
جمع کل										۴۸۷

پیش‌بینی شده جهت استفاده از جایگزین‌های کیفر حبس بهره گیرند. با این حال همچنان که تفاوت‌گذاری‌های ناشی از موقعیت‌های زیست‌شناسانه (بارداری، زایمان) و اجتماعی (مادری) زنان در قلمرو حقوق کیفری، طبیعی و بدیهی می‌نماید در ضرورت توجه خاص به این موقعیت‌ها در مرحله اجرای حکم نیز نباید تردید نمود.

حقیقت آن است که آنچه در قلمرو حقوق شکلی ایران به نوعی تبعیض‌های مثبت نسبت به زنان محسوب می‌شود عمدتاً ناظر بر اجرای برخی حدود شرعی همانند حد زنا (مواد ۹۱ و ۹۲ و ۹۳ قانون مجازات اسلامی) قصاص (ماده ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی) و یا تفاوتی اندک در نحوه‌ی اجرای حد زنا (مواد ۱۰۰ و ۱۰۲ قانون مجازات اسلامی) می‌باشد.^{۵۰} که شاید سهم این‌گونه کیفرها از مجموع کیفرهای اعمال شده علیه زنان چندان

عموماً در زندان زنان به علت تعداد کمتر زندانیان اجرای طرح تفکیک و طبقه‌بندی مشابه آنچه که در خصوص زندانیان مرد اعمال می‌گردد کمتر امکان‌پذیر می‌شود.

این نکته اساسی است که زنان زندانی نه فقط به خدمات بیشتری نسبت به مردان نیاز دارند بلکه در بسیاری از موارد خدمات مورد نیاز آنان نسبت به مردان متفاوت است.^{۵۰}

زندان‌ها باید تلاش بسیاری کنند تا بتوانند خود را با اقتضائات خاص زنان زندانی انطباق دهند. اما در شرایط فعلی به نظر می‌رسد کمتر زندانی توانسته باشد به حد مطلوبی در این زمینه نائل شده باشد. اگر زندان‌ها واجد آثار منفی بسیار هستند و توجه به ضمانت اجراهای جایگزین حبس را موجب شده‌اند، آثار منفی زندان‌ها نسبت

باشد.^{۴۹} یک توصیه حقوق بشری جدی است که در عمل کمتر مجال بروز می‌یابد و آنچه که در عمل رخ می‌دهد محرومیت کودک از یک زندگی با ثبات خانوادگی و احتمال تبعیت وی از الگوهای رفتاری مادر در آینده است.^{۵۰}

در مواردی هم که کودک بیرون از محیط زندان و جدا از مادر زندانی خود به سر می‌برد نحوه سرپرستی وی می‌تواند شکل‌های مختلفی به خود گیرد که فارغ از نحوه سرپرستی، تحقیقات تأثیرات منفی فقدان مادر را بویژه در مواردی که پدر خانواده معتاد است نشان داده‌اند.^{۵۱} با این که به طور کلی نقش زندانی شدن هریک از والدین در گرایش‌های مجرمانه کودکان نشان داده شده است.^{۵۲} اما در عین حال ثابت شده است که اعمال برچسب ارتکاب جرم به زنان متأهل، احساس تعلق، تعهد و تقید فرزندان به مادران زندانی را کاهش می‌دهد و از این

اسلامی تضمین نماید» و در عین حال انجام امور زیر را نیز عهده‌دار شود:

- ۱- ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او
 - ۲- حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی سرپرست
 - ۳- ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده
 - ۴- ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست
 - ۵- اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی»
- به نظر می‌رسد که ارتکاب بزه از سوی زنان، هر چند آنان را نسبت به تحمل کیفرهای

تلاش برای تغییر جهت دادن اصلاح زنان بزهکار به سمت برنامه‌هایی بسیار مفیدتر از زندان (همانند ارائه خدمات به جامعه، آزادی به قید ضمانت، مراکز گزارش روزانه، بازداشت خانگی و...) باید به یکی از اولویت‌های اصلی نظام عدالت کیفری بدل گردد.

در کل باید گفت که اگر تأمین منافع عمومی جامعه و همچنین تأمین منافع زنان و کودکان یکی از دغدغه‌های اصلی یک جامعه باشد می‌بایست از تمامی ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه خود برای پرهیز از گسستن زنان از محیط خانواده بهره بگیرد.

پیش‌بینی شده در قانون ناگزیر و ملزم می‌سازد اما از دایره اطلاق این اصول خارج نمی‌سازد. بدیهی است که قانون‌گذار کیفری نیز در تعیین مجازات‌ها در ارتباط با زنان باید روح این اصول را مد نظر داشته باشد.

از سوی دیگر این نکته مورد تأیید جامعه‌شناسان قرار گرفته است که «نگرش جامعه ایران معاصر مبتنی بر ارزش و اهمیت خانواده است»^{۶۲} و «بدون شک اگر هر اقدامی برای احقاق حقوق زنان منجر به تضعیف این نهاد و کمرنگ شدن نقش مادری و همسری زنان گردد نه به نفع زنان و نه به نفع کل جامعه خواهد بود.»^{۶۳} حال در جایی که لطمه به نقش مادری و همسری زنان حتی با هدف

و برای حفظ نقش اساسی زن در خانواده و جامعه، تا حد امکان کیفرهایی را که مستلزم حضور زن در خانواده و جامعه باشد ملاک کیفرانگاری قرار دهد.» همچنین «با توجه به نیاز متقابل زن و خانواده و لزوم حضور پیوسته زن در کانون خانواده باید از تأمین‌های کیفری مناسب که تا حد امکان به بازداشت زن در مرحله تحقیقات مقدماتی منتهی نشود استفاده کرد.» و در عین حال «با توجه به نقش والای زن در خانواده، دادرسی باید با استفاده از اختیارات خود ضمانت اجرایی را مورد حکم قرار دهد که ارتباط محکوم علیه آن را با خانواده و جامعه قطع نکند.»^{۶۴}

آشکار است که ارائه اینگونه پیشنهادهای سلبی به قانون‌گذار و مقامات قضایی ضروری است اما نیازمند تکمیل با پیشنهادهای ایجابی است. توجه به مشارکت نهادهای مدنی در اعمال و اجرای تدابیر غیر سالب آزادی و مجازات‌های اجتماعی از طریق «ارائه امکانات و خدمات مشاوره‌ای مختلف و برنامه‌های آموزشی - اصلاحی گوناگون مانند برنامه‌های افزایش مهارت‌های فردی با موضوع‌های مواد مخدر، الکل، ایدز، رفتار جنسی، خود ارزشمندی، چگونگی رویارویی با مشکلات، کاریابی و... با هدف ارتقای بهداشت جسمی و روانی زنان، بهبود روابط اجتماعی آنان برای ادامه زندگی در جامعه و پاسخ‌گویی به نیازهای واقعی زنان به منزله‌ی یک انسان؛ ارائه شیوه‌های درست و مؤثر درمان اعتیاد و کاهش آسیب‌های آن؛ ایجاد، توسعه یا بهبود فرصت‌های شغلی، درآمد زایی و...»^{۶۵} یکی از مهمترین محورهای قابل توجه در این زمینه است.

در مجموع باید گفت که تلاش برای تغییر جهت دادن اصلاح زنان بزهکار به سمت برنامه‌هایی بسیار مفیدتر از زندان (همانند ارائه خدمات به جامعه، آزادی به قید ضمانت، مراکز گزارش روزانه، بازداشت خانگی و...) باید به یکی از اولویت‌های اصلی نظام عدالت کیفری بدل گردد.

جمع‌بندی

اصل بیستم قانون اساسی مقرر می‌دارد که «همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.» طبق اصل بیست و یکم نیز «دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین

قابل توجه نباشد. در عرصه‌ی کیفر حبس تنها تبعیض مثبت برای زنان را باید در بطن ماده ۶۵ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور جستجو کرد که مقرر داشته است «زندانیان حسب سابقه، سن، جنسیت، نوع جرم، تابعیت، مدت مجازات، وضع جسمانی و روانی، چگونگی شخصیت و استعداد به یکی از قسمت‌های زندان یا مؤسسات تأمینی و تربیتی معرفی می‌گردند» در تبصره آن هم پیش‌بینی شده است که «زندانیان زن می‌توانند اطفال خود را تا سن دو سال تمام به همراه داشته باشند. رؤسای زندان‌ها می‌توانند در هر زندان نسبت به تفکیک و جداسازی اطفال ۲ سال تا ۶ سال در محل مجزا (مهد کودک) اقدام و یا نسبت به انتقال اطفال موصوف به بهزیستی یا مؤسسات نگهداری اطفال مبادرت نمایند.» در این خصوص این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که عموماً در زندان زنان به علت تعداد کمتر زندانیان اجرای طرح تفکیک و طبقه‌بندی مشابه آنچه که در خصوص زندانیان مرد اعمال می‌گردد کمتر امکان‌پذیر می‌شود.^{۶۸}

پس بدون هیچ تردیدی باید ضمانت اجراهای جایگزین حبس را در خصوص زنان با اهتمام خاصی مورد توجه قرار داد. کاری که از منظر تدوین‌کنندگان لایحه مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان دور مانده است و تنها در دو جا به زنان اشاره شده است. نخست در ماده ۱۹ که آمده است «خدمات عمومی موضوع این قانون، خدماتی است که محکوم علیه بدون دریافت دستمزد به حکم دادگاه به نفع جامعه انجام می‌دهد. دادگاه با توجه به نوع جرم، سن، جنس، توانایی جسمانی، روانی و شغل و مهارت وی به انجام خدمات عمومی حکم می‌دهد.» همچنین در تبصره ۲ ماده ۲۱ نیز مقرر شده است که «اجرای خدمات عمومی باید به گونه‌ای باشد که قوانین و مقررات مربوط در خصوص شرایط کار زنان و نوجوانان، محافظت فنی و بهداشت کار و ضوابط کاری سخت و زیان‌آور رعایت شود.»

در همایشی که اخیراً با عنوان «زن و حقوق کیفری» برگزار گردیده نکات قابل تأملی در این زمینه مطرح شده است. از جمله توصیه شده که «قانون‌گذار نسبت به حذف برخی از کیفرها که با شأن و موقعیت خانوادگی و اجتماعی زن مخالف بوده و موجب آسیب روانی و جسمی شدید وی می‌شود - از قبیل کیفرهای بدنی - تدابیر لازم را اتخاذ کرده

احقاق حقوق آنان، زیان زنان و کل جامعه را در بر خواهد داشت. چگونه می‌توان پذیرفت که لزوم تأمین مصالح عمومی (از طریق مجازات بزهکاران زن) به سادگی دستاویز سلب زنان از یکی از مهم‌ترین حقوق اساسی‌شان (آزادی) آن هم به بهای لطمه به منافع زنان و کل جامعه شود.

از همین روست که برخی این نکته را مورد تأمل جدی قرار داده‌اند که «اصولاً یکی از هدف‌های اصلی کیفرها و اقدامات تأمینی و تربیتی کاهش آسیب‌های اجتماعی است درحالی که محرومیت طولانی‌مدت خانواده از حضور مادر خود سبب‌ساز آسیب‌های متعدد اجتماعی است»^{۶۵}

به نظر می‌رسد نظام عدالت کیفری زنان نه تاب تبعیض‌های ناروا علیه زنان را دارد و نه تاب تحمل نگرش‌های حمایتی پدرانه یا پدرسالارانه را.^{۶۶} باید واقعیت‌های زنان و به تبع آن رفتارهای مجرمانه‌شان را بهتر شناخت و از انگاره‌های سنتی و گاه مبهم موجود فاصله گرفت. در گزارش‌هایی که از زنان زندانی در زندان‌های بریتانیا تهیه شده خشونت به عنوان یک ویژگی دائمی زندان زنان توصیف گردیده است.^{۶۷}

در کل باید گفت که اگر تأمین منافع عمومی جامعه و همچنین تأمین منافع زنان و کودکان یکی از دغدغه‌های اصلی یک جامعه باشد می‌بایست از تمامی ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه خود برای پرهیز از گسستن زنان از محیط خانواده بهره بگیرد.

فهرست منابع

- اعزازی، شهلا، نقش اجتماعی زن در چالش دو دیدگاه (حوزه عمومی و خصوصی): خانواده پیش صنعتی یا صنعتی؟، در کتاب «زن و فرهنگ» مقالاتی در بزرگداشت یکصدمین سال تولد بانو مارگارت مید، به کوشش میرشکرایی، محمد و علیرضا حسن‌زاده، نشر نی چاپ اول ۱۳۸۲

- السان، مصطفی، قاچاق زنان و کودکان برای بهره‌کشی جنسی، فصلنامه رفاه اجتماعی سال چهارم شماره ۱۶ بهار ۱۳۸۴

- جزایری علیرضا و مؤگان صلواتی، سیاست اجتماعی و خانواده؛ فصلنامه رفاه اجتماعی، سال سوم شماره ۱۰ ویژه نامه سیاست اجتماعی - جرج ولد و دیگران؛ جرم‌شناسی نظری (گذری بر نظریه‌های جرم‌شناسی، ترجمه علی شجاعی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) چاپ اول، زمستان ۱۳۸۰

- حجازی، قدسیه، بررسی جرائم زن در ایران، شرکت سهامی انتشار ۱۳۴۱

- رئیس، مهدی، کنوانسیون زنان، بررسی فقهی و حقوقی الحاق یا عدم الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض

علیه زنان، نشر نسیم قدس چاپ اول ۱۳۸۲

- رستگاری نیا، ژیلا، مطالعه جرایم زنان، نشریه اصلاح و تربیت سال چهارم مهر ۸۴ شماره ۴۳

- زن و حقوق کیفری، مجموعه مقاله‌ها، نتایج، کارگروه‌ها و اسناد نخستین همایش بین‌المللی «زن و حقوق کیفری، گذشته، حال و آینده»؛ انجمن ایرانی حقوق جزا، نشر سلسبیل، چاپ اول ۱۳۸۴

- سگالن، مارتین، جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، ترجمه حمید الیاسی، نشر مرکز چاپ اول ۱۳۷۰

- شیخی، محمد تقی، جامعه‌شناسی زنان و خانواده، شرکت سهامی انتشار چاپ اول ۱۳۸۰

- مشیرزاده، حمیرا، مقدمه‌ای برای مطالعات زنان، دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری چاپ اول ۱۳۸۳

- ضرابی، میترا، قانون در برابر غول فقر: آسیب‌شناسی حقوقی و اجتماعی جرم‌زایی فقر، نشر ویستار چاپ اول ۱۳۷۷

آذر ۸۴ شماره ۴۵

- محمدی فرد، حمید، کودکان؛ قربانیان پنهان جرایم والدین، نشریه اصلاح و تربیت سال چهارم بهمن ۱۳۸۴ شماره ۴۷

- مساواتی آذر، مجید، آسیب‌شناسی اجتماعی ایران (جامعه‌شناسی انحرافات) انتشارات نوبل (تبریز) چاپ اول ۱۳۷۴

- مسکنی، زهره، جایگزین‌های مجازات حبس، مجازات‌های اجتماعی، نشریه اصلاح و تربیت سال چهارم مهر ۸۴ شماره ۴۳

- معتمدی مهر، مینو، حمایت از زنان در برابر خشونت: سیاست سیاست جنایی انگلستان، برگ زیتون، چاپ اول ۱۳۸۰

- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، تقریرات درس جرم‌شناسی در دانشگاه امام صادق (ع) نیم سال دوم سال تحصیلی ۸۲-۸۱ ص ۲۶۴

- نقش زنان در توسعه، دفتر امور زنان ریاست جمهوری و صندوق کودکان سازمان ملل



متحد، انتشارات روشنگران، چاپ اول ۱۳۷۲

- وایت راب و فیونا هانیس، درآمدی بر جرم و جرم‌شناسی، ترجمه میسر روح صدیق بطحایی اصل، نشر دادگستر چاپ اول بهار ۸۲

- وایت، راب و هنز فیونا، جرم و جرم‌شناسی، متن درسی نظریه‌های جرم و کجروی، ترجمه علی سلیمی، پژوهشکده حوزه و دانشگاه چاپ اول ۱۳۸۳

پی‌نوشت‌ها

۱. آندرو کویل، رویکرد حقوق بشری به مدیریت زندان‌ها، ص ۱۲۹

۲. همان

۳. تقریرات درس جرم‌شناسی دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی در دانشگاه امام صادق (ع) نیم سال دوم سال تحصیلی ۸۲-۸۱ ص ۲۶۴

۴. مساواتی آذر، مجید، آسیب‌شناسی اجتماعی ایران (جامعه‌شناسی انحرافات) ص ۱۳۵

۵. گسن، ریوموند؛ جرم‌شناسی نظری، ص ۸۷

۶. جرج ولد و دیگران؛ جرم‌شناسی نظری (گذری بر نظریه‌های جرم‌شناسی، ص ۳۷۴

۷. وایت، راب و هنر فیونا، جرم و جرم‌شناسی، متن درسی نظریه‌های جرم و کجروی، ص ۲۵۸ همان
۹. عموما گفته می‌شود که جنس به تفاوت‌های جسمی و فیزیولوژیکی مردان و زنان اشاره می‌کند در حالی که جنسیت به تفاوت‌های روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی بین زنان و مردان مربوط می‌شود. گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، ص ۱۹۲
۱۰. مساواتی آذر، مجید، پیشین، ص ۱۴۳
۱۱. وایت راب و فیونا هانیس، درآمدی بر جرم و جرم‌شناسی، ص ۱۸۰
۱۲. همان ص ۱۸۸
۱۳. برای آگاهی بیشتر در این زمینه بنگرید به فصل نهم کتاب زندان‌ها در هزاره سوم، با عنوان «آیا آینده ای فمینیستی برای زندان‌های زنان وجود دارد؟»
۱۴. برای آگاهی بیشتر در خصوص جایگاه زنان در جرم‌شناسی بنگرید به «زن در جرم‌شناسی و حقوق کیفری» دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی در کتاب زن و حقوق کیفری، مجموعه مقاله‌ها، نتایج، کارگروه‌ها و اسناد نخستین همایش بین‌المللی «زن و حقوق کیفری، گذشته، حال و آینده»؛ انجمن ایرانی حقوق جزا، نشر سلسبیل، ۱۳۸۴ و «بررسی جرم‌شناختی جرایم زنان» دکتر شهلا معظمی در کتاب علوم جنایی؛ مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، انتشارات سمت، چاپ اول ۱۳۸۳
۱۵. نجفی ابرند آبادی، علی حسین؛ زن در جرم‌شناسی و حقوق کیفری، ص ۱۰۵
۱۶. وایت راب و فیونا هانیس، درآمدی بر جرم و جرم‌شناسی، ص ۱۹۳
۱۷. همان ص ۱۸۸
۱۸. السان، مصطفی، قاچاق زنان و کودکان برای بهره‌کشی جنسی، ص ۳۴۴
۱۹. جزایری علی‌رضا و مژگان صلواتی، سیاست اجتماعی و خانواده؛ ص ۲۳۵
۲۰. مساواتی آذر، مجید، پیشین، ص ۱۳۸
۲۱. نجفی ابرند آبادی، علی حسین؛ زن در جرم‌شناسی و حقوق کیفری، ص ۱۱۱
۲۲. همان ۱۱۲
۲۳. در فصل قبل نیز اشاره شد که یکی از اساسی‌ترین انتقادهای جرم‌شناسان فمینیست، سیطره مردان بر نظام عدالت کیفری هم در عرصه پژوهش و نظریه‌پردازی و هم در عرصه عمل و کارورزی است.
۲۴. رحمدل، منصور؛ زن در آئین دادرسی کیفری، در کتاب زن و حقوق کیفری، مجموعه مقاله‌ها، نتایج، کارگروه‌ها و اسناد نخستین همایش بین‌المللی «زن و حقوق کیفری، گذشته، حال و آینده» ص ۱۵۵
۲۵. فرجیها، محمد، تاثیر مشارکت شغلی زنان در حوزه عدالت کیفری، در کتاب زن و حقوق کیفری، مجموعه مقاله‌ها، نتایج، کارگروه‌ها و اسناد نخستین همایش بین‌المللی «زن و حقوق کیفری، گذشته، حال و آینده» ص ۱۹۷
۲۶. حجازی، قدسیه، بررسی جرائم زن در ایران، ص ۱۶۰
۲۷. نجفی ابرند آبادی، علی حسین؛ زن در جرم‌شناسی و حقوق کیفری، ص ۱۱۲
۲۸. همان ص ۱۱۷
۲۹. همان ص ۱۱۸
۳۰. گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، ص ۱۷۳
۳۱. شمس، علی، جمعیت کیفری زندان‌ها ص ۴۳
۳۲. همان
۳۳. کویل، آندره، رویکرد حقوق بشری به مدیریت زندان‌ها، ص ۱۳۱
۳۴. در خصوص معایب زندان بنگرید به آشوری، محمد، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، نشر گرایش، چاپ اول، ۱۳۸۲
۳۵. در این زمینه شاید اشاره به تجربه تشکیل گروه «زنان در زندان» در کشور انگلستان بی‌فایده نباشد. گروه مزبور که در سال ۱۳۸۳ ایجاد شده متشکل از زنانی است که خود زمانی زندانی بوده‌اند و برای اصلاح نظام عدالت کیفری زنان تلاش می‌نمایند. گروه مزبور دلایل توجیهی تشکیل خود را به شرح زیر بیان کرده‌اند: «ابتدا اینکه شرایط حبس زنان متفاوت از شرایط حبس مردان است و اینکه مشکلات خاص و متمایز حبس زنان عمدتاً از سوی نویسندگان و کسانی که برای اصلاح شرایط زندان مبارزه می‌کنند و نیز مدیران زندان مورد غفلت قرار گرفته است؛ دوم این که زنان زندانی از عملکردهای تبعیض آمیز مدیران که باعث بهره‌مندی کمتر آنها از امکانات آموزشی، کار و اوقات فراغت نسبت به مردانی می‌شود که مجازات‌های مشابهی را می‌گذرانند رنج می‌برند. سوم اینکه زندانیان زن شاهد عملکردهای تبعیض آمیز مأموران زندان نیز می‌باشند و برای مثال آنها در معرض نظارت و بازبینی انضباطی دقیقتری نسبت به مردان زندانی با سوابق جنایی مشابه قرار دارند؛ چهارم اینکه زنان زندانی از مراقبت‌های پزشکی کافی در شرایطی که دچار بیماری‌های خاص زنان می‌شوند برخوردار نیستند و نیازهای خاص آنها در طی دوران قاعدگی، بارداری و یائسگی غالباً برآورده نمی‌شود؛ پنجم اینکه با توجه به تعداد نسبتاً کم زنان زندانی در بریتانیا، بنابر این احتمال بیشتری وجود دارد که زنان نسبت به مردان در زندان‌هایی نگهداری شوند که در فاصله بسیار زیادی از محل زندگی آنها قرار دارند و آخرین توجیه این است که محکومیت حبس برای برخی از زنان بر اساس منطقی صورت می‌گیرد که آنها را نه به عنوان شهروندانی قانون شکن بلکه به عنوان زنانی که دچار ضعف‌های شخصیتی هستند مجازات می‌کند.» بنگرید به فصل دهم کتاب زندان‌ها در هزاره سوم، با عنوان «وضعیت حبس زنان در انگلستان در پایان قرن بیستم؛ مشروعیت، واقعیت‌ها و آرمان‌ها»
۳۶. عبدی، عباس و دیگران، آسیب‌شناسی اجتماعی؛ تاثیر زندان بر زندانی، ص ۵۵۹
۳۷. مساواتی آذر، مجید، پیشین، ص ۳۱۶
۳۸. عبدی، عباس و دیگران، پیشین، ص ۵۲۱
۳۹. همان ص ۵۲۲
۴۰. همان
۴۱. رستگاری نیا، ژیلا، مطالعه جرایم زنان، ص ۸
۴۲. همان
۴۳. همان
۴۴. عبدی، عباس و دیگران، پیشین، ص ۲۳۵
۴۵. همان
۴۶. همان ص ۲۲۸ و ۲۲۹
۴۷. متولی خامنه، مرتضی، زنان زندانی (ایجاد یک آینده بهتر)، ص ۴۲
۴۸. محمدی فرود، حمید، کودکان؛ قربانیان پنهان جرایم والدین، ص ۱۹
۴۹. کویل، آندره، پیشین ص ۱۳۳
۵۰. رستگاری نیا، ژیلا، پیشین، ص ۸
۵۱. عبدی، عباس و دیگران، پیشین، ص ۵۱۴
۵۲. برای مثال تحقیقات نشان داده است که ۵۰ درصد کودکان خانواده‌هایی که به دلیل زندانی شدن یکی از والدین دچار از هم گسیختگی شده است. به نوعی درگیر بزهکاری و زندان شده‌اند. محمدی فرود، حمید، کودکان؛ قربانیان پنهان جرایم والدین، ص ۲۰
۵۳. رستگاری نیا، ژیلا، پیشین، ص ۹ همچنین آقای محمدی فرود که طرحی را در خصوص «بررسی تأثیر زندانی شدن بر خانواده زندانی» انجام داده‌اند پیشنهاد نموده‌اند که پژوهش مستقلی در زمینه تأثیر زندانی شدن مادر بر روی فرزندان انجام گیرد که امید است چنین شود.
۵۴. متولی خامنه، مرتضی، پیشین، ص ۴۲
۵۵. همان ۴۳
۵۶. برای آگاهی از جنبه‌های اصلاح نظام زندانبانی در خصوص زنان بنگرید به فصل سیزدهم کتاب رویکرد حقوق بشری به مدیریت زندان‌ها تألیف آندره کویل
۵۷. برای آگاهی بیشتر بنگرید به رحمدل، منصور؛ زن در آئین دادرسی کیفری، در کتاب زن و حقوق کیفری، مجموعه مقاله‌ها، نتایج، کارگروه‌ها و اسناد نخستین همایش بین‌المللی «زن و حقوق کیفری، گذشته، حال و آینده» ص ۱۴۴ الی ۱۴۹
۵۸. عبدی، عباس و دیگران، پیشین، ص ۵۵۴
۵۹. برگرفته از رهنمودهای کارگروه بزهکاری زنان - زن و حقوق کیفری در کتاب زن و حقوق کیفری، مجموعه مقاله‌ها، نتایج، کارگروه‌ها و اسناد نخستین همایش بین‌المللی «زن و حقوق کیفری، گذشته، حال و آینده» صص ۲۲۷ الی ۲۳۰
۶۰. برگرفته از رهنمودهای کارگروه مشارکت نهادهای مدنی در حوزه نظام عدالت کیفری زنان در کتاب زن و حقوق کیفری، مجموعه مقاله‌ها، نتایج، کارگروه‌ها و اسناد نخستین همایش بین‌المللی «زن و حقوق کیفری، گذشته، حال و آینده» صص ۲۶۷ الی ۲۷۰
۶۱. رستگاری نیا، ژیلا، پیشین، ص ۹
۶۲. اعزازی، شهلا، نقش اجتماعی زن در چالش دو دیدگاه (حوزه عمومی و خصوصی): خانواده پیش صنعتی یا صنعتی؟، در کتاب «زن و فرهنگ» مقالاتی در بزرگداشت یکصدمین سال تولد بانو مارگارت مید، ص ۴۳۳
۶۳. همان
۶۴. مسکنی، زهره، جایگزین‌های مجازات حبس، مجازات‌های اجتماعی، ص ۲۰
۶۵. در پرتو همین نگاه‌های پدرسالارانه بود که در امریکا و در پرتو قوانین و مقررات رفاهی متولیان امر اجازه می‌یافتند زنان جوانی را که تصور می‌شد در معرض خطرات اخلاقی قرار دارند به خاطر مصلحت خودشان حبس کنند. بنگرید به وایت راب و فیونا هانیس، درآمدی بر جرم و جرم‌شناسی، ص ۱۹۵
۶۶. گیدنز، آنتونی، پیشین، ص ۱۷۶